

## راز دو ساله دوپینگ کاپیتان سابق وو شو فاش شد

فدراسیون وو شو همیشه نامش در لیست موفق ترین فدراسیون های ایران قرار داشته است. رشته ای غیر المپیکی که به هر آنچه می خواسته رسیده و حالا بر بام دنیا ایستاده است. اما اخیرا راز هایی در این رشته برملا شده که سوالات زیادی را شکل داده است. راز هایی از پنهان کردن تست مثبت دوپینگ که به مدت دو سال مخفی ماند! ماجرا از این قرار است که دو سال پیش، بعد از جام جهانی ۲۰۱۸ چین تست دوپینگ حمیدرضا قلی پور کاپیتان سابق تیم ملی وو شو مثبت و توسط فدراسیون جهانی اعلام می شود. این موضوع البته با رابطه خوبی که رییس وقت فدراسیون یعنی مهدی علی نژاد با فدراسیون جهانی داشته، مسکوت مانده و سرانجام این اتفاق به خداحافظی قلی پور با ورزش قهرمانی ختم می شود. آن زمان قلی پور دلیل این تصمیم خود را اشباع شدن و رسیدن به هر آنچه در وو شو می خواست عنوان کرد. او که حتی تمریناتش برای MMA را نیز شروع کرده بود، از علاقه به فعالیت در رشته ای حرفه ای صحبت کرد. اما حالا مشخص شده خداحافظی او نه به خاطر ماجراجویی های جدید بلکه به خاطر مثبت شدن تست دوپینگش بوده است. فدراسیون وو شو ایران در حالی در قبال این اتفاق موضع سکوت را انتخاب کرد که طبق قوانین ضد دوپینگ فدراسیون جهانی وو شو برای چهار سال از ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸ (۶ آبان ۱۳۹۷) تا ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲ (۶ آبان ۱۴۰۱) قلی پور را محروم کرد و بر این اساس قلی پور دیگر اجازه هیچ فعالیتی را نداشت. اما این در حالی است که کاپیتان سابق تیم ملی ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ و در جریان مسابقات لیگ ایران چهار گوشه سکوی ساندا را بوسید و خداحافظی اش را اعلام کرد. او حتی هدایایی نیز از علی نژاد دریافت کرد. اینکه چرا فدراسیون وقت اجازه چنین کاری را داده و این تبعیض را قائل شده، سوالی است که باید پاسخگو باشند.



البته نکته دیگری هم در این باره وجود دارد که نمی شود نادیده اش گرفت. قلی پور یکی از اعضای کمیسیون ورزشکاران بود. کمیسویی که دو بار به تعطیلی کشید و حواشی بسیاری را هم ایجاد کرد. این کمیسیون در میان همین حواشی برای مشخص شدن رییس جدید انتخابات بر گزار کرد. انتخاباتی که یک سوی آن هادی ساعی توانمند کار سابق تیم ملی قرار داشت و سوی دیگر زهر نعمتی کماندار ایران که شنیده می شود برخی دست های پشت پرده که حق رای نداشتند، خواهان به ریاست رسیدن نعمتی در این کمیسیون بودند. به همین خاطر حق رای قلی پور که از جامعه رزمی کاران است، می توانست در روند انتخابات تاثیر گذار باشد. هر چند در نهایت هادی ساعی با یک رای بیشتر از نعمتی (۸ رای) در انتخابات پر حاشیه، ریاست کمیسیون را به دست آورد، اما فاش شدن این راز دو ساله در ست در صبح روز انتخابات کمیسیون ورزشکاران نمی تواند چندان هم بی دلیل باشد. البته در این باره کمیته ملی المپیک هم باید پاسخگو باشد، چرا که طبق آیین نامه کمیسیون ورزشکاران، هیچ ورزشکاری نباید در ارتباط با قانون جهانی مبارزه با دوپینگ هیچ گونه محرومیتی در یافت کرده باشند.

در هر حال اما بحث دوپینگ در وو شو به همین جا ختم نمی شود. با نگاهی به اسامی محرومانی که فدراسیون جهانی وو شو اعلام کرده، متوجه یک نام ایرانی دیگر نیز می شویم. نامی که او هم در جام جهانی چین مدال آور بوده و روی سکوی نخست ایستاده است. سید معین تقوی دیگر سانداکاری است که تستش مثبت در آمده اما تست او هم مثل قلی پور مثل یک راز باقی ماند و حالا باید شاهد پس گرفته شدن مدال های این دو نفر در مسابقات چین باشیم. نگه داشتن راز دوپینگ ورزشکاران در رشته های دیگر هم دیده شده است. کسانی که ناگهان خداحافظی کردند و هیچ وقت دلیل واقعی خداحافظی شان مشخص نشد. در این جا باید این سوال را مطرح کرد که آیا واقعا مطرح نکردن چنین مواردی و تبعیض قائل شدن بین آنها و کسانی که نام شان اعلام می شود، تصمیم درستی است؟

برای فرهاد، مردی که دیگر کپی نمی کند

# استقلال؛ ساخت تهران!

**هواداران استقلال در اعماق ذهن شان به این نتیجه رسیده اند که اگر استر اما چونی سر مربی تیم شان بود، حالا قهرمانی لیگ بر تر را جشن می گرفتند. این باور اما تنها یک حدس است و فوتبال با حدسیات سر و کار ندارد. شاید استقلال با استر اما قهرمان می شد و حتی شاید در دهه پایین تری نسبت به وضعیت امروزش قرار می گرفت. اهمیت کلمه «شاید» در این جمله ها بسیار زیاد است. تنها در یک مورد می توان نتیجه ای «قطعی» گرفت و آن مورد، این است که فرهاد دیگر نمی خواهد ادامه دهنده راه استر اما باشد. او می خواهد تیم خودش را بسازد و امضای خودش را پای این تیم بزند.**



## آر باطاری

حتی سایه استر اما چونی هم، دیگر استقلال را ترک کرده است. فرهاد مجیدی تا چند وقت، دنباله روی ایده های فنی سر مربی سابق آبی ها بود اما از یک جایی به بعد، تصمیم گرفت با کفش های خودش در استقلال قدم بردارد. این تیم، تماما ساخت ایران است.

## سوزه روز

سوگواری برای فوتبالی که اخلاق در آن مرده است

# مزرعه نفرت!

## آر با هنورد

قرمز و آبی ندارد. زرد و سبز هم ندارد. همه «بازنده» این بازی هستند. همه آنهایی که اخلاق را در موج علاقی رنگی غرق کردند. همه آنهایی که خودشان را کشتند تا در کری خواندن از دیگران جلو بزنند و در این بازی یلید، سبقت بگیرند. همه آنهایی که بدر نفرت را در مزرعه فوتبال کاشتند و هوا را تا می توانستند، آلوده کردند. باور کنید در فوتبال به جز این کری خوانی ها، لذت های دیگری هم برای کشف کردن وجود دارند. اینکه شما قادر به دیدن این لذت ها نیستند، دلیل خوبی نیست برای آن که وجود آنها را به طور کلی زیر سوال ببرید.

از مجری سطح پایین و بی دانش تلویزیون، هیچ انتظاری نمی رود وقتی «پیشکسوت» فوتبال ایران که این روزها کمک مربی تیم ملی امید هم شده، یک شوخی سخیف علیه موفقیت های تیم رقیب را در صفحه رسمی اش به اشتراک می گذارد. فکر نکنید آب یگ روزه گل آلود شده است. این وضعیت همیشه وجود داشته اما اینستاگرام و توییتری نبوده اند که آن را

## اتفاق روز

پیکی بلایندرز بدون شخصیت اصلی

# وحشت در پاریس!

تکل وحشتناک روی پای کیلین امباپه در فینال جام حذفی فرانسه، یک لحظه به شدت رعب آور در اردوی پی اس جی بود. امباپه در شرایطی که کاملارد می کشید از زمین بازی خارج شد و پس از آن در زمان ترک استاد بوم، با عصا دیده شد. در مورد وضعیت این بازیکن، نگرانی های زیادی وجود داشت و سرانجام مشخص شد که او، مسابقه تیمش با آتلانتا در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان راز دست خواهد داد. پارسیسی ها پس از تعطیلات لیگ فرانسه، مدت ها دور از زمین فوتبال بودند و پس از بازگشت، با یک خبر وحشتناک روبه رو شده اند. ادامه مسابقه های این فصل لیگ قهرمانان به صورت تک بازی بر گزار می شوند و غیبت امباپه مقابل آتلانتا، به معنای حضور نداشتن این بازیکن

حاصل تفکرات یک مربی که چندین فصل برای همین باشگاه بازی کرده و در آخرین قهرمانی این تیم در لیگ برتر نیز سهیم بوده است. فرهاد شاید به اندازه استر اما چونی یک مربی مدرن نباشد، شاید به اندازه استر اما تجربه های کاری در سطح بالا نداشته باشد، شاید مثل او نتواند نبض هواداران و رسانه ها را به بهترین شکل ممکن در دست بگیرد اما

او، شناخت دقیق و پر جزئیاتی از فوتبال ایران دارد. جنس رفتارها و وعده های مدیران را می شناسد و وضعیت مهره های تیم را درک می کند و انگیزه و اشتیاق زیادی برای منحول کردن استقلال دارد. هیچ کس منکر توانایی مربیان خوب خارجی نیست اما در شرایط فعلی که همکاری با خارجی ها دشوار شده، او در بین گزینه های داخلی یک چهره

مناسب برای کار کردن در جمع آبی ها به شمار می رود. چهره ای که بتوانسید تبدیل شدن به یک مربی موفق روی نیمکت استقلال را دارد.

برای باور این موضوع، کافی است به نشانه های ترکیب استقلال در مسابقه این هفته دقت کنیم. اول از همه، اینکه تیم دیگر با سه مدافع بازی نمی کند. این برای چندمین هفته متوالی است و مناسب برای کار کردن در جمع آبی ها به شمار می رود. چهره ای که بتوانسید تبدیل شدن به یک مربی موفق روی نیمکت استقلال را دارد. برای باور این موضوع، کافی است به نشانه های ترکیب استقلال در مسابقه این هفته دقت کنیم. اول از همه، اینکه تیم دیگر با سه مدافع بازی نمی کند. این برای چندمین هفته متوالی است

هم دوست نداشتنی تر هستید. شمای که در های خلاقیت ندارد. شما که همان شوخی های سخیف را هم خودتان نساخته اید و از دیگران دزدیده اید. شما که انگار زباله جمع کن اینستا و توییتر هستید. هر کس اشغالش را دم در می گذارد، بر می داریدو کاسی را شروع می کنید. کاسین نگون بخت زباله ها. کمی به فوتبال اروپا نگاه کنیم. کمی هم به تفاوت خودمان و فوتبال اروپا نگاه کنیم. از همان فصل گذشته بین دو باشگاه سیتی و لیور پول تنش وجود داشت اما همین فصل، سیتیزن ها برای لیور پولی ها تونل افتخار زدند. آنها به افتخار بزرگ ترین دشمن این روزهای شان در فوتبال انگلیس دست زدند و به تحسین این حریف پرداختند. در لالیگا با وجود همه مسائل وحشتناک داوری، با سه یا سه شکلی مسالمت آمیز قهرمانی را مال مادرید را تبریک گفت و همه چیز همان جا تمام شد. بارسا موفقیت نال را از پرس سوال نبرد تادر آینده موفقیت های خودش هم زیر سوال نرود. در فوتبال ایران اما ظاهرا هیچ کس با موفقیت دیگری کنساز نمی آید. این بازی کثیف، لیدرهایی هم دارد. مهر داد میاوند که فوتبالیست بسیار خوبی بود اما صد افسوس که نماد لاینسینم در «هواداری» شد و شخصیت خودش را با دست خودش خرد کرد تا رضا حقیقی که می توانست در فوتبال به جایگاه فوق العاده ای برسد اما با جوانی اش کاری کرد که دیگر حتی از لیگ دو هم پیشنهاد نداشته باشد و آن وقت به جای حسرت خوردن با این خودسوزی، مسئول توهم عمومی به هواداران تیم رقیب شد. از امیر حسین صادقی که همه

که آنها به سیستم چهار دفاعه سوئیچ کرده اند و شیوه جدیدی برای بازی را مدنظر قرار داده اند. بخشی از این ماجرا، شاید به غیبت ادامه دار مدافعان این تیم هم مربوط باشد. سیاوش یزدانی و عارف غلامی به ویروس کرونا دچار شدند، بو دروف تیم را ترک کرد و دانشگر نیز با تصمیم کادر فنی از ترکیب کنار گذاشته شد. با این حال شاید حتی اگر همه این بازیکنان نیز در دسترس بودند، باز هم فرهاد ترجیح می داد بسا چهار مدافع راهی زمین مسابقه شود. مجیدی قبل از حضور روی نیمکت استقلال به عنوان سرمربی، در تیم ملی امید تیمش را با چهار مدافع به زمین می فرستاد. این سیستم، همیشه مورد علاقه مجیدی بوده است. تفاوت دیگر تیم مجیدی با استر اما، کم رنگ شدن نقش چند بازیکن خاص است. برخلاف استر اما، فرهاد از عارف غلامی استفاده چندانی نکرد و او را به عنوان یک بازیکن کلیدی برای تیمش در نظر نگرفته است. این موضوع برای هر ویه میلیج نیز صدق می کند. سر مربی ایتالیایی استقلال، علاقه بسیار زیادی به میلیج داشت و برای جذب یک بازیکن، تلاش ویژه ای انجام داد. میلیج در تیم استر اما، یک بازیکن فیکس و یک مهره گل زن به شمار می رفت اما پس از مصدومیت و ماجراهای کرونا، در تیم فرهاد به حاشیه رانده شد. به نظر می رسد مجیدی در مورد زوج هجومی محبوب استر نیز تجدید نظر کرده است. او در مسابقه این هفته با نفت مسجد سلیمان، مهدی قائدی را به نیمکت تیم منتقل کرد. مهاجمی که در هفته های گذشته اصلا نشانی از یک

بازیکن آماده نداشته است. قائدی در ابتدای فصل وعده داده بود که ۱۰ گل برای تیمش می زند و خیلی ها تصور می کردند او مدت ها قبل از این رکورد عبور کند اما در عمل، او هنوز روی ۹ متوقف شده است. توفقی که باعث شده فرهاد از زوج دیپایته و ارسلان در خط حمله بهر برید. کبی، هیچ وقت به پای کیفیت

هیچ کس منکر توانایی مربیان خوب خارجی نیست اما در شرایط فعلی که همکاری با خارجی ها دشوار شده، مجیدی در بین گزینه های داخلی یک چهره مناسب برای کار کردن در جمع آبی ها به شمار می رود. چهره ای که بتوانسید تبدیل شدن به یک مربی موفق روی نیمکت استقلال را دارد

«اورجینال» نمی رسد. فرهاد حتی اگر در کپی کردن موفق بود، باز هم نمی توانست کارهای استر اما چونی را بهتر از خودش انجام بدهد و باز هم نمی توانست، دقیقا همان نسخه ها را با همان نتایج به سرانجام برساند. پس، این یک تغییر مثبت برای استقلال خواهد بود. یک تصمیم امیدوار کننده که «جدیت» مجیدی را نشان می دهد. جدیت یک مربی برای ساختن یک پروژه جذاب. استقلال باید نتیجه بگیرد. هیچ تردیدی هم در مورد اهمیت این جمله نیست اما هیچ کس هم نگفته که فقط قرار است فرمول استر اما چونی جواب بدهد. مسرد ایتالیایی تیمش را به صدر جدول لیگ رساند اما حتی یک فصل کامل هم در این تیم حضور نداشت. هرگز نمی توان گفت که این صدر نشینی، تضمینی برای موفقیت او در ادامه فصل بود. هواداران استقلال هم بهتر است به جای هشتگ زدن در صفحه سعادت مند برای جذب دوباره سر مربی سابق، به حمایت از مربی فعلی شان روی بیاورند. این هم تراژدی همیشگی فوتبال ایران است که آن چه از دست داده ایم را بیش از حد بزرگ و آن چه در شرایط فعلی داریم را بیش از حد کوچک می کنیم. همیشه گذشته را «طلائی» می دانیم و فراموش می کنیم که بزرگ ترین پروژه ها، با کوچک ترین قدم ها آغاز می شوند.

اعتبار دوران بازی اش را با اظهار نظر های نسنجیده با طر فزاری کور کورانه از بین برد تا آرش برهانی که با عبارت هایی مثل تیم سوم پایتخت و جام اسپنی، ناگهان به دوران راهنمایی برگشت! همه این نام های توانستند در فوتبال به عنوان مربی آینده داشته باشند اما کاری کردند که دیگر هیچ کس جدی شان نگیرد. سوزه شوخی و تمسخر شدند و از لایک خوردن، لذت بردند. آنها صبح تا شب در فضای مجازی همدیگر را می درند و مردم با تماشای این افراد داخل قفس اینستاگرام کیف می کنند. آنها صبح تا شب از خجالت هم در می آیند و از به کار بردن هیچ کلمه ای هم خجالت نمی کشند. آنها خودشان از عوامل در جازدن و پسر فدا استقلال و پرسپولیس هستند. موضوع فقط فوتبال نیست. مادر ایران طاقت تماشای موفقیت دیگران را ندارد. می خواهد اصغر فرهادی باشد یا نوید محمدزاده. پرسپولیس باشد یا استقلال. وقتی استقلال نتیجه می گرفت، پرسپولیس ها به قلمه نویی اتهام فساد می زدند. وقتی سپاهان لیگ را فتح می کرد، در قبا موفقیتش را زیر سوال می بردند. حالا هم که دور دور پرسپولیس است، طر فزاری تیم های دیگر به جای تونل زدن یا حداقل توثیت زدن، آنها را با انواع و اقسام کلاه ماهواجه می کنند. چه روز گار تلخی است برای فوتبال. چه روز گار نا امید کننده ای است برای «طر فدار». یک تیم بودن در فوتبال ایران. چه روز گار تباهی است برای دل دادن به احساسات هوادارانه و چه روز گار سیاهی است. برای فوتبال و نه فقط برای فوتبال!



کلمه، یک تیم هستند. تیمی که حضورش را در رقابت های فصل آینده لیگ قهرمانان نیز قطع کرده است. مصدومیت امباپه و وحشت حدفا از اروپا را در اردوی پی اس جی به اوج رسانده است. شاید در ست مثل چند سال قبل، نیمه نهایی لیگ قهرمانان باز هم یک مهمان ناخوانده داشته باشد.

به نظر می رسند و در اوج اقتدار به این مرحله راه پیدا کرده اند. کنار زدن والنسیا در یک هشتم نهایی، هرگز یک ماموریت سخت و پیچیده برای آنها نبود و ستاره های بر گامو، خیلی راحت این حریر فراز سر امان بر داشتند. شاید آنها به اندازه پی اس جی سنا نداشته باشند اما به معنای واقعی

با پاری سن ژرمن تجربه کرده اما هنوز نتوانسته طعم حضور در نیمه نهایی لیگ قهرمانان را بچشد. برخلاف او، نیمار این جام را فتح کرده و در جریان بردن این رقابت ها، یکی از بهترین های بار سا بوده است. باشگاه فرانسوی پس از ورود دلار های قطری، هزینه های سر سام آوری انجام داده است. آنها نیز به سبک سیتی، قوانین مالی بسیار زیادی را دور زده اند و نظم بازار را به هم ریخته اند. گر انقیمت ترین خرید تاریخ فوتبال، هنوز با هزینه ۲۲۲ میلیون یورویی برای نیمار به این باشگاه تعلق دارد. تیمی که برای خرید امباپه نیز، هزینه ای نجومی انجام داده است. با وجود همه هزینه ها، آنها هرگز در اروپا موفق نبودند و امیدوار نند در این فصل، برای روبه رو شدن با تاکامی همیشگی در اروپا، راه حلی داشته باشند. شاید آتلانتا نسبت به تیم پر ستاره فرانسوی، تیم چندان نامداری نباشد اما طرفداران فوتبال ایتالیا حتما می دانند که گاسپرینی و و شاگر دها چه فصل درخشانی را پشت سر گذاشته اند. آنها در فاز هجومی تیم فوق العاده ای